

می کردیم اما اکنون این توانایی را داریم که آن را خودمان تولید کنیم. کل ایزوتوپ های پایدار صنعت پزشکی را می توانیم تولید کنیم.

#### به هر حال این موضوع شفاف سازی و نظارت بر راکتورهای آب سنگین در دنیا چطور حل شده است؟

در کشور های دیگر هم این راکتور را دارند. پلوتونیوم را هم تبدیل به بمب می کنند! هند، کره شمالی و ...

#### یعنی سازو کاری برای نظارت وجود ندارد؟

سازو کاری که هست سازو کار قدرت است. یعنی اگر ایران این توانایی را داشته باشد باز هم قرار نیست آن را به سلاح تبدیل کند. کسانی هم که داشتند نتوانستند از آن علیه ایران و انقلاب اسلامی استفاده کنند. فرمول انقلاب ما با سایر فرمول ها متفاوت است. ما هم حتی نیاز به کلاشنیکف هم نداریم. سلاح برای انقلاب ایران اقتدار نمی آورد و اصلا هم دنبال آن خواهند رفت. اما تصور می کنیم که دیگری که از سلاح هسته ای استفاده کرده اند، هنوز هم آن سلاح را دارند و از آن باز هم استفاده خواهند کرد. بنابراین ما باید این آمادگی را داشته باشیم که در مقابل آن ها از خودمان دفاع کنیم. یا مثلا اگر دو کشور دارای بمب هسته ای با هم دعوا کردند و سلاح اتمی استفاده کردند ما باید آمادگی تکنولوژیکی برای مقابله با تاثیرات آن ناشی از ریزش های اتمی را داشته باشیم. بنابراین باید این تکنولوژی را بشناسیم.

#### در توافق ژنو مادر باره باز فرآوری تعهد کردیم که این مرحله را نداشته باشیم؟

ما هرگز این مرحله را نداشته ایم.

#### این مرحله به چه معناست؟

این به آن معناست که سوخت کار کرده در راکتور را در کشور بتوانیم باز کنیم و پلوتونیوم آن را جداسازی کنیم. البته حساسیت هم روی پلوتونیوم است که البته فقط نظامی نیست و در راکتور های نسل آینده کاربرد دارد. در حوزه صنعتی پزشکی هم بسیار کاربرد دارد. این کار بسیار ارزش دارد. مثلا درباره سوخت راکتور بوشهر روسیه سوخت را باید برگرداند به کشور خود و در آن جا جداسازی کند. برای راکتور اراک چون خودمان سوخت تولید می کردیم می توانستیم با این مرحله رادیوایزوتوپ ها را جدا کنیم.

#### سوال من از این بابت بود که چون ما اعلام کرد که بودیم که چرخه سوخت و غنی سازی خط قرمز ماست آیا نداشتن این مرحله این چرخه را ناقص نمی کند؟

به نظر من در این مرحله نباید درباره باز یافت صحبت کنیم. اما در آینده می تواند حقوق نسل های آینده را مخدوش کند. بنابراین چیزی که این حقوق را ضایع کند را نباید بپذیریم اما در شرایط فعلی نباید ما به باز یافت یا حتی «PIE» بپردازیم تا وقتی که مسائل ما با آنس حل شود.

#### برداشت شما از احتمال اجرای قطعنامه های شورای امنیت بر اساس توافق ژنو چیست؟ فکر می کنید باید در نهایت آن ها را اجرا کنیم؟

به هر حال آن ها قطعنامه ها را لازم الاجرا می دانند. ما هم می توانیم این قطعنامه ها را منوط به اجرای قطعنامه های مربوط به رژیم صهیونیستی کنیم. البته می شود حدودی را برای سازمان های بین المللی حفظ کرد البته به این شرط که آن ها تعهد بدهند که از این قطعنامه ها علیه ایران صادر نخواهد شد. عبارت «پایان رضایت بخش» هم که درباره این قطعنامه ها در توافق ژنو آمده است قابل تفسیر است. باید بفهمیم این رضایت بخش به چه معناست.

#### اگر نکته خاصی مدنظر است به عنوان حرف پایانی بفرمایید.

من نکته ای هم دارم که البته باید بعدا به آن بپردازیم و آن هم درباره راکتور های جدید است. تصور می کنم که در بودجه ۹۴-۹۳ باید برای این راکتور ها فکری بشود. نگاه ما باید این باشد که در ۱۰ سال آینده راکتور های قدرت بسازیم و صادر کنیم. سوال این است که دولت فعلی آن را دنبال می کند یا نه؟

#### کلا به توقف غنی سازی برسیم؟

بله امکان دارد. آن ها ممکن است بگویند فعلا تعطیل کنید چون نیاز عملی ندارید. حرف من این است که وقتی سوخت می خواهد تولید شود چند سال زمان می برد. راه اندازی مجدد کارخانه زمان می برد. غربی ها با سیاست تعطیلی غنی سازی ایران و تعطیلی راکتور اراک و کارخانه آب سنگین و بعد تعطیلی کارخانه سوخت اصفهان پیش می روند. این خط آن هاست. هر چند برخی برادران ما می گویند که این ها آرزوهای آن هاست اما حرف این است که تا این جا آرزوهای آن ها بر آورده شده است.

اجازه بدهید من به نکته فنی اشاره کنم. در ۳ روز اول دولت یازدهم زمره هایی آغاز شد که راه اندازی راکتور اراک به تاخیر افتاده است. در حالی که برنامه این بود که در پایان سال ۹۲ این راکتور با سوخت مجازی راه اندازی شود. هر چند برای ۳ تا ۶ ماه تاخیر برنامه ریزی شده بود اما در نهایت تصمیم ما این بود که زمره های پایانی برای اسفند ۹۲ تنظیم شود. مدیریت هم به گونه ای بود که نیروهای ذخیره آماده باشند تا تکمیل راکتور اراک تسریع شود. دلیلش هم این بود که دشمن ابتکار عمل را به دست نگیرد و مثلا با موشک یا بمب افکن آن جا را هدف قرار ندهد. به همین دلیل دقت فراوانی در جابه جایی تجهیزات و نیروی انسانی داشتیم تا آسیبی وارد نشود. بنابراین دوستان ما در این تفاهم ژنومی توانستند برای این که این شک ایجاد نشود که ما قبول کردیم راکتور را با سوخت مجازی راه اندازی کنیم. مقابل بقیولانند که راکتور را با سوخت مجازی راه اندازی کنیم. در سوخت مجازی هم می دانید که همه مجتمع های سوخت آماده هستند اما به جای اورانیوم از سرب استفاده می شود تا کربایی، دما، سازگاری، ایمنی و ... تجهیزات تست شود. در سوخت مجازی به جای آب سنگین هم آب سبک استفاده می شود. این کار درباره نیروگاه بوشهر هم انجام شده بود. خوشبختانه همه چیز هم برای سوخت گذاری مجازی آماده بود و حدود ۸۶ درصد تجهیزات هم نصب شده بود. تجهیزات جانبی هم در حال نصب شدن بود و ماموران آنس هم آمده بودند و به دنبال جانمایی دوربین های خود بودند. حتی نقشه به روز شده هم به آنس تحویل شده بود. اما در این شرایط وقتی بر اساس توافق ژنوی جزئیات نصب تجهیزات گرفته می شود، افراد متخصص متوجه می شوند در این راکتور هیچ فعالیت هسته ای نبوده است که حساسیت برانگیز باشد. یعنی می توانستیم در این ۶ ماه ۶ ماه بعدی هم بدون سوخت هسته ای راکتور اراک را فعال کنیم. در یاورقی توافق ژنو هم درباره اراک آمده است که سوخت هم نباید در اصفهان تولید شود. وقتی آن سوخت تولید نشود یعنی حداقل این روند یک سال به تاخیر می افتد. اما الان چه خبر است؟ ابتدا که دوستان ما می گفتند که راکتور با قدرت ادامه پیدا می کند. اما حالا حرف ها از این است که این راکتور به راکتور آب سبک تبدیل شود. این حرف یعنی حدود ۵ سال تغییر کاربری، تغییر طراحی، تجهیزات و ... ضمن این که چه دلیلی دارد ما در اراک راکتور آب سبک داشته باشیم؟ اگر این اتفاق هم بیفتد کارخانه تولید آب سنگین که جنب راکتور قرار دارد از موضوعیت می افتد. این روندی که می بینیم همان روندی است که اگر اشتباه نکنم در گزارش ۱۱۳ صفحه ای توسط آمریکا آمده است که چطور باید این راکتور آب سنگین به راکتور آب سبک تبدیل شود. که از زبان برخی مسئولان ما هم این زمره شنیده می شود. بنابراین لازم است که مسئولان مذاکره کننده قبل از این که پای میز مذاکره بنشینند تکلیف و موضع خود را با این مسائل روشن و شفاف کنند. اگر قرار است بروند و باز هم قهرمان برگردند ما هم بدانیم که درباره چه قرار است حرف بزنند و اگر قرار است از دستاوردهای محافظت شود و مثلا ۲۰ درصد ادامه پیدا کند من خودم بایک لوح تقدیر بزرگتر از لوح های قبلی به استقبال آن ها در فرودگاه بروم!

#### درباره این موضوع آب سنگین کشور های دیگر چطور شفاف سازی می کنند؟

کاربرد آب سنگین فقط در راکتور نیست. مادر حوزه های دارویی برای نیاز های کشور قبلا این محصولات را وارد

درصد است. این البته باید طبق مقررات آنس به راکتور زیر ۲۰ درصد تبدیل شود که این اواخر گفته شد باید به ۱۲/۵ درصد برسد. پس باید سوخت ۱۲/۵ درصد هم داشته باشیم. مثلا می توان بخشی از سوخت ۲۰ درصد را با رقیق کردن به ۱۲/۵ درصد برسانیم. برخی راکتور هایی که با سوخت طبیعی (اورانیوم با غنای ۷/۰ درصد) کار می کنند باید به حدود یک تا ۱/۵ درصد برسند که باید برای این کار اورانیوم غنی شده به آن ها اضافه کرد.

#### یعنی اگر فرض کنیم در گام پایانی هم همین شرایط باشد و ما نتوانیم بیش از ۵ درصد غنی سازی انجام دهیم آیا نیاز های کشور بر طرف می شود؟

نیاز ما به ۱۲/۵ درصد آنقدر زیاد نیست. می توانیم آن را تامین کنیم. باید طراحی جدیدی انجام شود که طبق نظارت آنس انجام شود. شاید حتی آنس بپذیرد که آن را تامین کند. این موضوع برای ما اقتصادی نیست. وقتی هم چیزی برای ما اقتصادی نیست نباید سراغ آن برویم. درباره ۲۰ درصد هم همین طور بود. این اورانیوم تولید شد چون نیاز بیماران کشور به رادیو داروها باید تامین شود و غربی ها این ماده را به ما ندادند. بنابراین حتی اگر گران تر تولید شود باز هم باید آن را تولید کنیم. نکته ای که وجود دارد این است که درباره تولید ۲۰ درصد می توانستیم با طرف مقابل تعامل کنیم. اما این مهم است که به جای آن چه چیز به دست می آوریم. قبلا می گفتند که در ازای توقف ۲۰ درصد آن ها حاضرند راکتور تهران را بپذیرد و به کشور ها بگویند که به ما رادیوایزوتوپ بفروشند. وقتی این موضوع را آقای جلیلی به من گفت من پاسخ دادم که راکتور تهران توسط ایرانی ها بپذیرد می شود و اگر می خواهند راکتور های آن ها را هم بپذیرد می کنیم. رادیوایزوتوپ را هم تولید می کنیم و کشور هایی هستند که این مواد را به ما بفروشند و نیازی به این کار نیست. به همین دلیل تصور می کنم آن چه ما در توافق ژنو پذیرفته ایم تعهد بسیار زیادی است و می توانستیم در ازای هر خط امتیازاتی بگیریم. مثلا تحریم بانک مرکزی یا تحریم های نفتی و ...

#### الان سوخت راکتور بوشهر توسط روس ها تامین می شود. این قرارداد تا چه زمانی برقرار است؟

تا ۱۰ سال آن ها تعهد به تامین سوخت دارند. روس ها هم طبق آن تعهد کار ها را انجام می دهند. برای راکتور های بعدی هم باید قرارداد ببندیم. حتی کار ها و اقدامات برای راکتور های بعدی انجام شده بود و در سال ۹۲ می توانستیم کلنگ زنی کنیم. این که گفته می شود در سال ۹۳ کلنگ زنی خواهد شد به نظر من نوعی اقدام ژورنالیستی است چرا که همه چیز آماده بود. برنامه هم این بود که یک راکتور به طور کامل توسط روس ها ساخته شود و به ایران تحویل شود. این پروژه حدود ۵-۶ سال زمان می برد و ۴-۵ میلیارد دلار هزینه دارد.

#### وقتی در توافق ژنو آمده است که غنی سازی باید بر اساس نیاز های عملی ایران باشد، آیا اگر طرف مقابل ادعا کند که چون سوخت راکتور بوشهر توسط روس ها تامین می شود و برای ۲۰ درصد هم که ذخیره وجود دارد، ممکن است که

لازم است که مسئولان مذاکره کننده قبل از این که پای میز مذاکره بنشینند تکلیف و موضع خود را با مسائل روشن و شفاف کنند. اگر قرار است بروند و باز هم قهرمان برگردند ما هم بدانیم که درباره چه قرار است حرف بزنند